

مبارزه بین ایران انقلابی و امریکای جهانخوار ادامه خواهد یافت

این سخن از آقای مهندس بزرگ یوبی وزیر مشاور در امور اجرایی و سخنگوی دولت است:

... روابط ما با آمریکا بر مبنای اشغال جاسوسخانه و گروه‌های تروریستی است، که با آزادی گروه‌ها بی‌پایان پیدا کند. روابط ما با آمریکا بر اساس بیروزی انقلاب اسلامی ایران تیره شد. آمریکا نمی‌تواند وجود دولت اسلامی ما را تحمل کند، و به تمام وسایل متوسل میشود تا علیه انقلاب ما توطئه کند. مسئله برای آمریکا گروه‌ها بی‌پایان بوده، دشمنی او با ما بنابر بیروزی انقلاب اسلامی ایران، به خاطر از دست دادن ۶ میلیون بشکه نفت در روز و بنابر از دست دادن بازار چندین میلیاردی (ایران) در سال بوده و هست. بعد از پایان این مسئله (گروگانها) هم ما هیچ رابطه سیاسی و اقتصادی با دولت جهانخوار آمریکا نخواهیم داشت. مضمون سخن آقای یوبی درست است و ما آنرا کاملاً تأیید میکنیم.

بقیه در صفحه ۴

امام خمینی:

آنها (دشمنان انقلاب) از پا نمی‌نشینند مگر اینکه کشور را به خیال خودشان به حال اول و به فساد بکشند

کشور شده، مرکز توطئه‌هاست. امام خمینی همچنین بدعالت دشمنان انقلاب اشاره کرده و تأکید کرده: «آنها از پا نمی‌نشینند مگر اینکه این کشور را به خیال خودشان به حال اول و به فساد بکشند.» امام خمینی، افزودند: «آنها میخواهند آن چیزی که در دانشگاهها و در مدارس ما، در دبیرستانها و در همه جا حاصل می...

امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، پیش از ظهر روز پنجشنبه ۲۷ بهمن ۵۹، در حضور جمعی از دانش‌آموزان مدارس و معلمات و پاسداران انقلاب شیرهای دماغان و شاهرود، بیاناتی ایراد کردند. امام خمینی از جمله، دشمن اشاره به انواع توطئه‌ها در کشور گفتند: «امروز مملکت شما...



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۷۷
پخش ۵ بهمن ۱۳۵۹، مطابق با
۱۸ ربيع الاول ۱۴۰۱، به ۱۵ ربیع

در ۳ روز گذشته:

مواضع دشمن در جبهه خونین شهر، با آتش سلاح سنگین، درهم کوبیده شد

بخش قسمتی از نیروهای صدام در منطقه شوش که قصد پیشروی داشتند، سرکوب و منهدم شدند.

... با مزدوران متجاوز، زبندگان جمهوری اسلامی ایران در مقابل سلاح عظیمات رزمندگان نیروهای مسلح را در روزهای ۱ و ۲ بهمن ماه وارد کردند. دشمن متجاوز در مقابل این حالات، همانند قبل به بیامان مناطق مسکونی شهرها پرداخت و عمده‌ای از موهبتان ما را به شهادت رسانید و یا مجروح کرد.

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی:

آمریکاهنوز دشمن ماست و ما هم دشمن آمریکا

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی در پی آزادی جاسوسان آمریکایی که پس از پذیرش شرایط مجلس شورای اسلامی ایران توسط امریالیسم آمریکا و اجرای برخی از آنها، صورت گرفت، روز پنجشنبه ۲ بهمن در يك مصاحبه رادیو تلویزیونی شرکت کرد. وی در ابتدا ضمن تبریک این نکته که مجلس شورای اسلامی، با اکثریت نزدیک به تمام از اقدام انجام شده توسط دولت جمهوری اسلامی ایران (آزادی جاسوسان در مقابل پذیرش شرایط مجلس) راضی است، در باره روابط آینده ایران و آمریکا گفت:

روابط که با آمریکا به نظر ما با این تاریخچه که آمریکا در ایران دارد و کارهایی که در ایران کرده و مطامع استعماری که آمریکاها دارند، آدم لاقی خوبی نمی‌بیند. یعنی نمی‌شود با...

گسترش مناسبات و همکاری بین ایران و سوریه

بسودمبارزه مشترک بر ضد امپریالیسم و صهیونیسم، بسر کردگی آمریکاست

صدام حسین تنها نمونه‌ای از این هیستکی پراخ است. حافظ اسد، رئیس جمهوری سوریه، در سخنرانی که اواسط آبان ۵۹ ایراد کرد، از جمله، گفت:

«بار دیگر تأکید می‌کنم که باید در جهت انقلاب اسلامی ایران باشیم و از آن حمایت کنیم، زیرا که حمایت و پشتیبانی از این انقلاب در حقیقت حمایت از تمام آرمانها و مقاصد ملی و مذهبی اعراب است و دشمنی با انقلاب اسلامی ایران، دشمنی با ملت عرب، ملت فلسطین و دشمنی با مشاء بیت المقدس و خصوصیت و عداوت با تمام مبارزات ملل رزمنده علیه استعمار و امپریالیسم جهانی است.»

حافظ اسد، در جریان سخنرانی اخیر آقای کلاتری و دیگر نمایندگان ایران به سوریه نیز، بار دیگر پشتیبانی کشور خویش را از انقلاب ایران اعلام کرد و انقلاب ما را «کام مهمی در مقابله با امپریالیسم» خواند. وی افزود:

«جهت پایبندی عربی هر بیروزی ایران را علیه امپریالیسم در همین حال بعنوان بیروزی خود تلقی میکنند»

آمریکا، صهیونیسم و نوکران آنها در منطقه، پیش از پیش حلات کین تو زانه آنها قرار می‌گیرند. گسترش همکاری بین دو کشور کاملاً مستانده برای تحکیم و تقویت اتحاد صدام، صهیونیسم، سوریه و ایران، که سفر چند ماه پیش حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی و تابع مذاکرات او بنا سران سوریه، ضرورت آری پیش از پیش، تسریع کرد.

رهبران سوریه، از آغاز انقلاب ایران، همواره هیستکی خود را با یکبار خندامبره‌یالیستی و دیگر ایتک خلق ما ابراز داشته‌اند. پس از بیروزی نیز پیوسته آمادگی کشور خود را برای توسعه مناسبات با جمهوری اسلامی ایران اعلام کردند، پشتیبانی قاطع از ایران علیه تجاوز نظامی داوروسته

نورالدین کیا نوری
«پرسش و پاسخ»
بقایای بزرگ مالکی
وسرمایه‌داری
وابسته به امپریالیسم
سد پیشرفت جامعه
ایران است
صفحه ۴

معمّر قذافی، رهبر لیبی: ما دوستان اتحاد شوروی هستیم

معمّر قذافی رهبر لیبی، در جلسه‌ای در مین اجلاس کنفرانس خلق عرب گفت: «لیبی يك کشور غیر متعهد بوده و همیشه يك کشور غیر متعهد باقی خواهد ماند.»

رهبر لیبی گفت: «هیچ پایگاه اتحاد شوروی در خائلیبی وجود ندارد و ما عامل شوروی نیستیم، اما ما دوستان اتحاد شوروی هستیم، زیرا ما به لزوم دوستی با اتحاد شوروی متعهد شده‌ایم. ما در این زمینه صادق هستیم و این دوستی را حفظ می‌کنیم، زیرا هدفهای مشترکی داریم. اتحاد شوروی و لیبی دشمنان مشترکی ندارند و این دشمنان امپریالیسم و صهیونیسم هستند.»

معمّر قذافی، همچنین تأکید کرد: «اتحاد شوروی در کنار خلق فلسطین و ملت عرب است و در حالی که آمریکا، سوریه را در لیست سیاه قرار می‌دهد، شوروی کمکهای همه‌جانبه از ما به عمل می‌آورد و از ما و دیگر کشورهای عرب حمایت می‌کند.»

حجت الاسلام خامنه‌ای: دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، فریاد عصیان و اراده يك ملت بودند

ملت ایران از اینکه با دولت غاصب انگلیس هرگز روابط نداشته باشد، استقبال می‌کند.
نماز جمعه این هفته نیز با حضور دهها هزار تن نمازگزار در دانشگاه تهران برگزار شد. در ابتدای خطبه‌های نماز جمعه، بقیه در صفحه ۴

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

نورالدین کافوری پرستش و پاسخ

حزب توده ایران با همه نوع انحصار طلبی نیروهای جبهه متحد خلق مخالف است، حتی اگر این انحصار طلبی «انقلابی» باشد

حزب توده ایران با هرگونه انحصار طلبی نیروهای مختلف جبهه متحد خلق مخالف است و با آن مبارزه اصولی، متین و روشنگرانه میکند.

و سر اصلاحی در درون جبهه متحد خلق است. مشکلات انقلاب ایران کمک خواهد کرد که بخشی از این نیروهای انحصار طلبی به تدریج واقع بین تر شوند، به زبان های ناشی ازانه مارکسی خودی برود و به تعدیل آن بپردازد. ما باید با انتقاد جدی و راهتمایی افشاگرانه به تسبیح این حرکت کمک کنیم.

س: آقای کافوری شما که خود یک روشنگر هستید، چرا این قدر از منافع کارگران و زحمتکاران دم می زنید و می گوید که می خواهید حکومت را به دست کارگران بسپارید؟

ج: این طور سوالها را در دوران تاریخ بارها از حزب توده ایران کرده اند، که خبری که اکثریت رهبرانی روشنگر هستند، چه خواهد آمدی؟ کدر را منافع کارگران و زحمتکاران، حاکمیت طبقات زحمتکش مبارزه می کند؟ چنین سوالهایی با زور ناگهانی است و یا تحریک آمیز. این که افراد به طور کلی، کتابها یا وابستگی طبقاتی شان موضع گیری می کنند، این حکم مارکسیستی است. ولی چنین حکمی به هیچ وجه بدون استناد نیست. از جامعه های استعاره پذیر، که علاوه بر عامل مادی طبقاتی، عناصر دیگری هم مانند عنصر ملی، استقلال طلبانه و فدا امیریالستی اهمیت پیدا می کنند، حتی در جوامع به تفرقه سرمایه داری هم این حکم عام مارکسیستی به استناد می برنی خورد.

س: در این زمینه، داستان جانب و بامزه ای هست که به دو نوع تعریف می شود: یکی در رابطه با یکی از رهبران بلشویک در زمان لنین و دیگری در مورد روابط بین اتحاد شوروی و انگلستان پس از جنگ جهانی دوم. شکل دوم داستان را برایتان می گویم.

در این زمینه، داستان جانب و بامزه ای هست که به دو نوع تعریف می شود: یکی در رابطه با یکی از رهبران بلشویک در زمان لنین و دیگری در مورد روابط بین اتحاد شوروی و انگلستان پس از جنگ جهانی دوم. شکل دوم داستان را برایتان می گویم.

س: می گویند ویشتی، وزیر خارجه اتحاد شوروی، در زمان نیکیتا خروشچف، برای جابه جویی ستارویچ، رئیس اجنک برای مذاکره با دولت «لیبرال» انگلستان به آن کشور رفت. هتای او بیان بود، که خود سابقا کارگرمین بود، بعد به عضویت اتحادیه معدنکاران درآمد و بعد هم «لیبرال» شد.

(۲۵ شماره ۱۳۵۹)

س: این انحصار طلبی، که شما از آن صحبت میکنید، کدام قشر مشخصی از دستگیران انقلابی را در بر میگیرد؟ به نظر من این انحصار طلبی بیشتر شامل جناح های راست نزدیک به لیبرال ها میشود، تا جناح های افراطی.

ج: جواب دقیق به این سوال مشکل است. دستگیران انقلابی طبق وسیعی از افکار، از خرده بورژوازی زحمتکش تا خرده بورژوازی نسبتا مرفه را در بر میگیرند. از نظر تئوریک می شود گفت آن نیروهایی از دستگیران انقلابی، که به زحمتکاران شهر و روستا نزدیک ترند، انحصار طلبی شان هم باید کمتر باشد. ویژگی های دستگیران در اینان بیشتر است. رسوا گشته نمانده اکثریت محروم جامعه هستند و همان قشری را که برای خود میخواهند، برای اکثریت محروم جامعه هم قائل هستند.

این ارتظر تئوریک، اما عمل جلدت عدم رشد آگاهی سیاسی وسیع توده ها در جامعه ما، احتمال آنرا نمائنده این افکار هم به گراشی های انحصار طلبانه کشانده بودند. البته رشد آگاهی سیاسی در همه زمینه های امکان نیست. مثلا آگاهی سیاسی این نیروها در زمینه شناخت امیریالسم و دستگیران خلیسی رشد کرده است. اما این آگاهی سیاسی، به نظر ما، در زمینه شناخت نیروهای داخلی جبهه متحد خلق و توان عظیم دوستان جهانی انقلابی هنوز خیلی ضعیف است.

بدن به ترتیب، امکان آن هست که تعداد قابل ملاحظه ای از توده های زحمتکش مورد بهره گیری انحصار طلبی نیروهای بالایی قرار گیرند. البته که نظر دیگر در جامعه ما هست، که اولین بار از طرف مائوئیست ها مطرح شد و «سازمان مجاهدین خلق ایران» هم آنرا دنبال میکند. بموجب این نظر کارگزاران های انحصار طلبانه از ویژگی های خرده بورژوازی سنتی، سببه نفوذی است. اما ما همانطور که بارها گفته ایم باید این نظر مبالغه آمیز را به پایه میاندازیم. اما اینکه نظر مادیارانه این انحصار طلبی ها چیست و چگونه باید با آن مبارزه کرد؟ مسلم آن است که ما با هرگونه انحصار طلبی در درون جبهه متحد خلق همیشه مخالف بودیم و حال هم مخالفیم. سیاست این مخالفت هم فقط این نیست که معمول این انحصار طلبی کارگزاران حزب توده ایران انحصار طلبی نخواهد بود. نه، علت اینست که، به عقیده ما، این انحصار طلبی ها جبهه متحد خلق، جبهه نیروهای انقلابی، ضد امیریالستی و وطنی را فوق العاده محدود و تضعیف می کند و در نتیجه عملا به سود دشمنان انقلاب تمام می شود.

از این جهت است که ما با انحصار طلبی مخالفیم. حالا این انحصار طلبی چه از طرف بخشی از مبارزان اسلامی باشد، چه از طرف بخشی از روحانیت مبارز و چه از طرف تنها خود انقلابی اندامی باشد، چه از طرف مجاهدین خلق، ما همیشه به آنست که مجاهدین خلق هم دچار انحصار طلبی شده اند. آنها به غیر از خود و چند گروهی چپ و راست، هیچ گروهی دیگر کسی را به عنوان انقلابی قبول ندارند و حتی با آنرا رفتار، فرصت طلبی، ارتجاعی و ضد انقلابی می دانند. وقتی که یک چنین نیروی اجتماعی تنها خود را انقلابی بداند، این یعنی خود انحصار طلبی، البته به شکل خلیسی «انقلابی» آن. مبارزه ما با انحصار طلبی این جهت را هم در بر میگیرد.

س: در این رابطه، که همه این نیروها را از انحصار طلبی برطرف داشت و در اینجا هم باید از شیوه روشنگری و افکار انحصار طلبانه، که با بدین شیوه را، که به طور کلی در دستگیری انقلابی قرار دارند و ملائمت به تشبیه و پیوسته، انقلاب هستند، با استفاده از تجربه های خاص انقلاب ایران قانع کرد که این انحصار طلبی ها نتایج نادر و بهتر است که از آن هاست بردارند. البته همان طریقی که مثلا هم گفتیم این کار مستلزم کار توضیحی بیکدیگر

باید دانست که در کردستان، سیارند که در راهی که از همه واقفیت های مذکور در فوق آنگاه توده اهمیت درجه اول مبارزه ضد امیریالستی و استقلال طلبانه، سراسری ایران وقت کامل دارند و مقام تاریخی این مبارزه را به قدری مشخص می دهند.

تا همین امروز، وابسته به این انقلابی در مقابل امیریالسم، به سرکردگی امیریالسم ارتجاعی طبقات ایرانی، وابسته به امیریالسم، آن نخستین گام بنیادی است که به هر حال باید در راه رسیدن به تأمین حقوق ملی خلق کردستان ایران در داخل ایران برداشته شود. هر چه فرما خود مسئله ملی در این مرحله طرح و حل می شود. به دیگر سخن، مبارزه مردم ایران زیر رهبری امام خمینی علیه امیریالسم، به سرکردگی امیرگاو، در راه استقلال و آزادی ایران، در همین حال، مبارزه در راه رهایی خلق های ستم دیده ایران از ستم ملی تیره است، زیرا بدون رهایی ایران از زیر سلطه امیریالسم، بدون قطع ریشه های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی سلطه طبقات ایرانی تیره وابسته به امیریالسم، حرکت درست ایجاد ایران آزاد و آباد و عاری از ستم اجتماعی و ستم ملی اصولا امکان پذیر نخواهد شد. شاید توده های ناگفته توانایی درک این دستگیران تاریخ را نداشته باشند، ولی نیروهای پیرو و افراد آگاه کردستان باید در این مسئله، نه بر اساس مراطق و احساسات صرف، بلکه بر پایه جهان بینی علمی و انقلابی عمیق نمایند. جبهات اندولولوژیکی، سیاسی آن را مورد توجه قرار دهند و درک و طرح درست مسئله ملی را به معنای واقعی خلق پذیرند. هر چه بریند، زیرا بدون تئوری انقلابی عمل انقلابی محال است. اندولولوژی انقلابی با رتق به میان توده ها به نیروی مادی مبدل خواهد شد و کردستان را از تلاطمی که دچار شده، نجات خواهد داد. باید در این راه دشوار و پر افتخار هم از درک علمی و هم از وجدان انقلابی استفاده جست.

هنگامی ستوری ست کارگران به خلق کردستان ایران، در اولین نگاه طبقا حکومت دیکتاتوری پهلوی، به چشم می خورد، زیرا این حکومت بود که مستقیما مجری این ستم بود. ولی این حکومت، به اصطلاح معروف، از آسمان نیافتاده بود، بلکه پیوند خرابی شخصی اجتماعی و اقتصادی سیاسی ایران در دوران مشخص خود بود. حکومت پهلوی و سراسر ستم و ساد ذاتی آن، ناشی از سرشت طبقاتی این حکومت بود و لذا باید ریشه ستم ملی علیه خلق کردستان ایران را در ماهیت طبقاتی حکومت پهلوی جستجو کرد. منظره ای که پیدایش ستم ملی در ایران بدین قرار بوده است: می دانیم که خود ملت، به معنای واقعی علمی، محصول دوران رشد سرمایه داری است و ستم ملی در کشور کشورها ملت است. ستم طبقاتی نیز، با پیدایش سرمایه داری در این کشور بوجود می آید. در همین ما ایران، رشد سرمایه داری، به ویژه از قریب صد سال پیش سرعت هر چه بیشتر یافت. ولی این سرمایه داری به علت مداخله امیریالسم، صرفا ناشی از امکانات و انگیزه های خود ایران و قائم به ذات ایستاده بر روی پای خود نبود. سرمایه داری در ایران که ابتدا در رسته بازرگانی گسترش یافت، مارتباط با روستا سرمایه داری استعماری و امیریالستی و ستم گرفت و در واقع تا حدود زیادی یک صورت بندی (فراموش) «آزادتی» بود. بعدها سرمایه داری ایران هم دست به سرمایه های امیریالستی، رفته های صنایع و بانک و نیمه عداوت و کشاورزی و غیره را نیز فرا گرفت و در آخرین روزهای حکومت وابسته پهلوی، سلطت کمپرادوری آن به حد املا رسید و دیگر به علاوه مابعد کارگزاران استعماری و امیریالستی در ایران مبدل شده بود.

این سرمایه داری در واقع طبقه متاع خودشراک و حامیان امیریالستی به تدریج ایران را در کف خود گنجانید. این سرمایه داری بود که طبق منافع خود و شرکا و حامیان امیریالستی کشید ایران را به صورت یک بازار واحد زیر سلطه خود متحرک سازد. این سرمایه داری بود که طبق منافع و به منظور ایجاد این مرکز خودمختار، رفته های رهایی بخش خلق های ستم دیده ایران را هم سرکوب کرد، موجودیت ملی آن ها را مورد انکار قرار داد و خواستهای به حق خلق های ستم دیده را با آهن و آتش

مسئله کردستان را چگونه باید درک، طرح و حل کرد؟

(به مناسبت سی و پنجمین سالگرد جشن ۲ بهمن)

سرمایه داری، مداخله امیریالسم به سرکردگی انگلیس و آمریکا نمود، حکومت مصلحتی پهلوی املا به وجود نمی آید، باو که موجود می آید، دولت مصلحتی است، ایران یک کشور مستقل می شود، این همه جور و ستم و از آن جمله ستم ملی در کشور ما به این صورت و حدت، روزی نمی کرد.

مطلب دیگری که باید به آن توجه کرده ایم واقفیت تاریخی است که رشد سرمایه داری وابسته در ایران و نفوذ امیریالسم از طریق اسپن سرمایه داری، در کشور ما نتایج است، با وجود نیابده است، بلکه قبل از هر چیز و بیشتر از هر چیز استقلال ایران را با استقلال و پیروزی ستم ملی به طور مشخص، محصول پایمال شدن استقلال ایران به دست امیریالسم بوده است. به همان ترتیب که طبق متاع غربی سرمایه داری وابسته بازرگاری ایران، ثروت های کردستان ایران را به غارت می بردند، طبق همین متاع غارتگرانه، زحمت و دیگر ذخایر سراسری ایران را هم تاراج می نمودند. به همان ترتیب و به همان روشی که خون پیشمرگان دلبسته کردستان را می ریختند، مبارزان راه استقلال ایران را هم در هر سلک و عقیده ای، ده ده و صد صد به میدان اعدام می رسانند. با همان وقاحتی که موجودیت خلق کرد و فرهنگ اصیل و اورمردانکار و اهانت فرار می دادند، فرهنگ و دین و معنویات اصیل و انقلابی سراسر ایران را هم مورد تاخت و تاز قرار داده به ستم می کشانند. ستم ملی بر خلق کردستان ایران از همان روز آغاز شد و شکل گرفت که استقلال ایران بدست سرمایه داری وابسته، سببه امیریالسم جهانی فرخته شد. از همان روزها و زمان امیریالسم مبارزه استقلال طلبانه همه مردم ایران علیه استعمار و امیریالسم و طبقات ایرانی تیره وابسته به آن، و از سوی دیگر مبارزه رهایی بخش خلق کردستان ایران علیه ستم ملی در داخل ایران، به صورت هم پنا به عرصه وجود نهاد، یعنی مبارزه استقلال طلبانه همه مردم ایران علیه استعمار و امیریالسم و مبارزه خلق کردستان ایران علیه ستم ملی، هر دو معنی العمل و محصول یک عاملند که این هم نفوذ استعمار و امیریالسم و رشد سرمایه داری وابسته است. لذا هر دو این ها از لحاظ تئوریک تقریبا به یک زمان، یعنی قریب صد سال پیش تصادف می کنند. نه تنها آغاز این دو پدیده تاریخی، بلکه ادوار مختلف آن ها هم کاملا با هم مطابقت زمانی و کیفی دارند، نه تنها مناسبت در این نوشته امکان ندارد.

پس در میان جنبش استقلال طلبانه فدا استعاری و فدا امیریالستی همه مردم ایران و جنبش رهایی بخش خلق کردستان ایران علیه ستم ملی، یک وجهت منتهی، وحدت ستمگرنی و وحدت سرشود وجود دارد. کسانی که می گویند این دو راه صورت پدیدمات جدا از هم مستقل از هم می برند و مطرح نمایند، کاری مخالف با واقعیت تاریخی انجام می دهند. امروز نقطه شرط رهایی تاریخی با منافع استقلال طلبانه همه مردم ایران علیه امیریالسم است، که ستمگرنی رهایی بخش کرد از ستم ملی می تواند به درستی درک و طرح و حل شود.

سپس از افراد پیرو و خرد، که خلق کرد این واقفیت را به طور کامل و منطقی و بیکدیگر می بیند، عده دیگری، که حالسیتی ستم به سرکردگی ارتجاعی میان استقلال ایران واقع ستم ملی از خلق کردستان ایران می بیند و این ارتجاع را قبول دارند، ولی این سؤال کردستان مطرح است که آیا حق تقدم با کدام یک از این هاست؟ استقلال ایران مقدم و تعیین کننده است و یا خود مختاری کردستان ایران؟

اگر قبول داریم که ستم ملی در ایران به طور مشخص محصول رشد سرمایه داری وابسته به امیریالسم بوده است، از گزیند ادرسم که این سرمایه داری وابسته بدون جنبش و ستمگرنی و حمایت امیریالسم نمی توانست آن بساط جور و ستم را در ایران بگستراند، اگر قبول داریم سرمایه داری وابسته به امیریالسم باقی نمانده، ستم که در این راه خودی ای خواهد داشت و اگر بپایان رسید، که با قطع نفوذ امیریالسم از ایران، عده ترین نگاه که این سرمایه داری وابسته و ستم های آن بران سببه در رصحه ۶

س: باخ داد، حکومت پهلوی نماینده سیاسی و آلت جبر این سرمایه داری (و هم چنین نفوذ امیریالسم و برکنار زمین داری ایران) بود. ستم ملی و انواع ستم های دیگری که حکومت علیه خلق های ایران روا می داشت، با زبات ستمت نگی می سرمایه داری بود. این که در همه جا روی عبارت «این سرمایه داری» نگی می کنیم، منظورمان اشاره به ماهیت کمپرادوری و وابسته آن است. یعنی حکومت پهلوی با تمام وجودی سرمایه داری امیریالستی جهانی است. پیوند ارگانیک ذات و تمام ستمگرنی آن و از جمله ستم ستم ملی این حکومت، با شرکت شرکا، حامیان و اربابان امیریالستی بیرونی و اجرا می گردید. سراسر تاریخ بران در این حکومت را از نظر بگذرانید. هیچک از بعضی های عمده و حتی غیر عمده سیاست این حکومت نبود که در آن امیریالسم جهانی (در ابتدا امیریالسم انگلیس و در سی سال اخیر، امیریالسم آمریکا) خالت، شرکت و متی فرماندهی مستقیم نداشته باشد. ستم ملی حکومت پهلوی علیه خلق کرد نیز به همین ترتیب با دخالت شرکت و حتی فرماندهی مستقیم امیریالسم طرح و اجرا می گردید. گاهی نه تنها غارت اقتصادی ایران، بلکه منافع سیاسی، استراتژیک امیریالسم در منطقه سرکوب جنبش های انقلابی ایران و از آن جمله جنبش رهایی بخش خلق کرد را ایجاد می نمود، به ویژه پس از پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر و به وجود آمدن نخستین دولت سوسیالیستی جهان، سراسر ایران و خصوصا مناطق حدسی آن چون کردستان، یکی از موارد نظر عمده امیریالسم جهانی علیه کشور آزاد شوراها بوده است و امیریالسم گوسیده است این مناطق را به معنای باگه فدا نشود در کنترل قلمی خود نگاه دارد و لذا هر جنبش رهایی بخش را به معنای نظری برای این باگه ها، مواضع امیریالستی خود، در نقطه مفکرانه است. نمی توان تردید داشت که اگر منافع غارتگرانه امیریالسم، حمایت امیریالسم از سرمایه داری وابسته ایران و حکومت آن

دست ضد انقلاب از کارخانه پتروشیمی شیراز کوتاه!

مشکلات کارخانه پتروشیمی شیراز باید با قاطعیت انقلابی از طرف کارگران و مسئولان برطرف شود. با استفاده از صنایع پتروشیمی، می توان گامهای بلندی در راه رشد صنعتی و اقتصادی کشور برداشت.

پس از پیروزی انقلاب، کارگران و کارمندان کارخانه پتروشیمی شیراز چون سایر موسسات تولیدی، بعد از یک اعتصاب طولانی، به فرمان امام خمینی مبنی بر لغو اعتصابات و تولید هر چه بیشتر، در مقابل کارخانه اجتماع کردند. در این گروه می گسائی بودند که تا روز قبل برای در هم شکستن اعتصاب تلاش می کردند، ولی ناگهان تغییر چهره دادند و به عنوان مدافع انقلاب پشت تریبون قرار گرفتند! اینها با اعتراض کارکنان انقلابی مواجه شدند و فرار برقرار ترجیح دادند. در این روز فکر تشکیل یک کمیته مطرح شد. چند روز بعد کمیته ای در یک انتخابات کاملا دموکراتیک تشکیل شد و با همه کمبودها و نارساییهایی که وجود داشت، در روزهای نخست مشاغل کارهای بزرگی شد، در ملت فرار مدیران طاغوتی، کمیته کار نظارت بر کارخانه را بر عهده گرفت و مقدمات و آماده سازی آنرا فراهم کرد. ولی به علت نفوذ ضد انقلابیون و مائوفیت ها، بدرون کمیته و کارشناسی آنها و ایجاد اغتشاش و هرج و مرج در کارخانه کار کمیته ادامه نیافت و سرانجام منحل شد.

مدتی بعد، با تلاش کارکنان، شورای بزرگ از کارگران و کارمندان به وجود آمد، که آن هم بر اثر تلاش ضد انقلاب و مائوفیت ها با شکست مواجه شد. آخرین اثر یک حدود یک سال پیش، بعد از یک مشاخره طولانی بین اعضاء شور، در مجمع عمومی خود را منحل اعلام کرد. در حال حاضر کارخانه فاقد سازمان کارگری است. این ناسامانی، فرصت خوبی را برای ضد انقلاب، مائوفیت ها و لیبرالها ایجاد کرده، تا با ایجاد جو تشنج، وضع کارخانه را هر چه بیشتر دچار هرج و مرج سازند.

مائوفیت ها در رقابت برای اغتشاش، گوی سبقت را از بقیه برده اند. آنها به شایعه پراکنی می پردازند و اخیرا نیز دست به انتشار شایعه ای به نام "کارگران مبارز زده اند و هر هفته تعدادی از این نفرین را داخل کمد کارگران قرار می دهند" زدند. باید متذکر شد که کارخانه پتروشیمی شیراز، یکی از بزرگترین و مستوفی تولیدی استانی فارس است و امکانات وسیعی برای کمک به جیبه دارد. اما تاکنون هیچ اقدامی در این زمینه صورت نگرفته است. همچنین برای سافقت از کارخانه برای محافظت از دستگاهها و ابزار آلات کارخانه کمیسار حساس هستند. اتخاذ نشده است، حتی در مورد سیسج و آموزش نظامی نیز کارهای صورت نگرفته است. در ازابیل جنگ، انجمن اسلامی کارخانه، طی اعلامیه ای، از افراد داوطلب درخواست کرد تا مادی خود را برای شرکت در جنگ اعلام کنند. تعدادی نزدیک به ۲۵۰ تا ۳۰۰ نفر داوطلب شدند و فرار شد. تعدادی به صورت آموزش نظامی می بینند. ولی تاکنون فقط حدود ۲۵ تا ۳۰ نفر برای آموزش نظامی فرستاده شدند.

در مورد حفاظت از کارخانه نیز با آنکه کارها تشکیل کمیته دفاع پیشنهاد شده است، هنوز هیچ اقدامی از طرف مسئولین صورت نگرفته است. صنایع پتروشیمی یکی از رشته های عمده صنایع سنگین را تشکیل می دهند و در گذار به سطح عالی رشد صنعتی و اقتصادی، نقش قاطعی دارند و می توانند

در کوره پزخانه های اراک هیچ قانونی حاکم نیست

"ما مفتی کار می کنیم! قبلا وضع دستمزدمان بهتر بود، ولی حالا به ازای هزار آجر ۲۶ تومان می گیریم. وی به اصرار می رویه به کارگران اشاره کرده می گوید: "کارفرما می خواهد چند نفر از آتشکارها را بیرون کند. در داخل کوره چهار نفر آجرچین در حرارتی غیر قابل تحمل مشغول کارند. یکی از کارگران می گوید: "قبلا هزاروی ۱۰ تومان می گرفتیم، ولی حالا ۸ تومان می دهند. وی می افزاید: "هیچ کس به درد طبقه پایین رسیدگی نمی کند."

در خانه یکی از کارگران خانه های مسکونی زحمتکاران را نشان داد. در اتاق های این خانه ها زحمتکارانی که در شهرهای دیگر بخصوص از شهرهای استان خراسان آمده اند، سکونت دارند. در استادی محوطه مسکونی، جوی آب کثیفی قرار دارد و در کنار آن جوی، تنوری برای یختن نان در این محوطه ۲۵ اتاق، با صحنه تر "الونگ"، سه چشم می خورد که در هر یک از آنها یک خانواده زندگی می کند. کارگری که ما را همراهی می کرد، می گوید:

"اگر شب کسی مریض شود، هیچ وسیله ای برای برداشتن شهر نداریم. از کارگران خدا حافظی کردیم. بومی صمیمت آنها و قلب مهربانان فراموش نشدنی است. در کوره های "دستی" نیز وضع زحمتکاران تفاوتی نمی کند. در کوره محصوره طالبی با چند نفر از زحمتکاران صحبت کردیم، پیرومردی که بر تلی از حشت نشسته و مشغول چیدن قالبها بود، گفت:

"چهل سال است که در کوره ها کار می کنم ولی حتی یک آلونگ هم برای نشستن ندارم. از بیمه خبری نیست. هر روز کارکنم، باید دست خالی پیش خاتوادام بروم. ما همسوریم بیچاره تا بساطت کار کنیم و زمستان بخوریم. روزی ۱۴ تومان می گیرم، ولی با این گرانی این پول به نکجایی می رسد؟"

یکی دیگر از زحمتکاران می گوید: "دخترم بر اثر تصادف با پایش را از دست داده است. قبلا هر ساله پای مصنوعی او را جانی عوض می کردند، ولی حالا به هر کجا رفته، جوامب را ندانند. چرا باید پس از انقلاب، که امام فرمودند انقلاب مستضعفین است، ما را سر بردانند؟"

از صاحب کوره آقای طالبی، که مشغول کار بود، درباره مشکلات کوره پزخانه پرسیدیم. وی می گوید:

"یکی از مشکلات ما مسئله عوارض شهرداری است که در همه شهرها هزاری ۳۰ تا ۲۵۰ ریال می گیرند. در حالیکه در اراک حدود ۱۰۰۰ ریال تعیین کرده اند. مشکل دیگر مسئله بیمه است. شرکت بیمه اراضی کارخانه کارگران حق بیمه می گیرد، ولی دفترچه بیمه نمی دهد. وی ادامه می دهد:

"اگر دولت به ما وام بدهد، ما می توانیم تولید بیشتری داشته باشیم. مثلا الان روزانه ۱۰۰۰۰ قالب می زنیم، در حالی که می توانیم در صورت امکان مالی این تعداد را ۲ برابر کنیم و همین پایه هم آجرچینیم. این کار تا حدی از بیگاری عده ای از کارگران هم جلوگیری می کند."

بسیاری دیگر از کوره ها، می گوید: "یکی از مشکلات ما این است که از شهر قم آجر به اراک می آورند و این باعث پایین آمدن قیمت آجر می شود. در حالی که کوره های اراک می توانند آجر شهر را تامین کنند."

زحمتکاران زیاد است و کوشش شما کم. یکی از کارگران قالب دار می گوید: "تا بحال به ازای هر هزار آجر ۱۰۵ تا ۱۱۰ تومان (تک قالب ۱۱۰ تومان و جفت قالب ۲۰۰ تومان) می دادند، ولی مدتی است که دستمزد را ۹۵ تومان کرده اند. بهانه آن هاهم این است که می گویند "الان قیمت آجر پایین آمده است"، در حالی که در آغاز کار (بهار) کارفرما تعهد کرده بود، با هر قیمتی که آجر به فروش رفت، میزان تعیین شده دستمزد را بپردازد."

یکی دیگر از زحمتکاران توضیح داد که کارگران این کوره، به علت این تصمیم صاحب کوره، بیکروز دست از کار کشیدند. صاحبان کوره ها با هم به دادگاه انقلاب شکایت کردند و دادگاه نرخ ۹۵ تومان را تعیین کرد. البته صاحبان کوره ها نرخ ۷۵ تومان را پیشنهاد کرده بودند. کارگری از وضع بهداشت کوره می گوید:



مشکل ترین کارها را می کنیم ولی چقدر داریم؟

"در حدود ۳۰ سال است در این کوره کاری می کنم. باینکه در این کوره ها صدها نفر کاری کنند، ولی هیچ گونه امکانات بهداشتی نداریم، نه حمام داریم و نه حتی توالت، حق بیمه از ما می گیرند، ولی دفترچه بیمه به ما نمی دهند. دنباله صحبت هایش را کارگرد دیگری گرفت و افزود که:

"اگر کوچکترین اعتراضی به این وضع بکنیم، به ما می گویند از این جا بروید جای بهتری پیدا کنید". یکی دیگر از کارگران، که جوانی است هفده ساله، می گوید:

"آیا این ۵۰۰ نفری که این جا کار می کنند، احتیاج به دستمزد دارند؟ هر ۱۵۰۰۰ ریالی که در این کوره بزرگ ایجاد شود، کارگران ایرانی احتیاجی ندارند و هر هفته یک دکتر برای معاینه کارگران به این جا می آید. وی در ادامه صحبت هایش به کارگران افغانی اشاره کرده می گوید:

"اگر کارگران افغانی این جا نبودند، وضع ما بهتر بود، چون اگر ما اعتراضی بکنیم، ما را بیرون می کنند و آنها را می آورند. از باب می گوید: "من اصلا به کارگران ایرانی احتیاجی ندارم..."

در این کوره ها ده ها کارگر افغانی کار می کنند. محمدرضا، یکی دیگر از زحمتکاران قالب دار، دستهای پینه بسته اش را به ما نشان داد می گوید:

"ما مشکل ترین کارها را می کنیم، ولی در ازای این زحمت چه داریم؟ و به راستی زحمتکاران کوره ها هیچ مقابل زحمات طاقت فرسای خود هیچ چیزی ندارند. در دلد کارگران پایانی ندارد. زیرا در کوره ها هیچ قانونی حاکم نیست. زحمتکاران کوره ها از هیچ گونه تشنگی برخوردار نیستند و همین امر به کارفرما امکان اخراج آنها و بسا پایین آوردن دستمزد آنها را می دهد. در قسمت اصلی کوره، یکی از کارگران چرخدار، در جواب به پرسش ما در باره میزان دستمزدش، با چهره ای غم گرفته و ناراحت می گوید:

کوره پزخانه ها نایبگاهی از آثار رژیم سر سرده طاغوت، گوشه ای از تمدن بزرگ شاه آمریکا می اند. در این جا، زن و مرد، پیر و جوان و کودک، همه به یکسان بلعیده می شوند. دستهای بریده بریده از شدت کار، صورت آنتاب سوخته از زهر آنتاب داغ و بیروح تابستان و حرارت شفت بار داخل کوره ها و کوره های خم گشته از سختی کار، حاکی از زحمت طاقت فرسای است که زحمتکاران کوره ها تحمل می کنند. وضع زحمتکاران کوره ها را باید از نزدیک دید، تا از درد و رنج آنها باخبر شد.

ده ها کوره "میلی" و "دستی" در حوالی ملک آباد و مزرگان (مزرگان) از کارگران به کارمندان کارگری می بلند. کوره های "میلی" بزرگ هستند و در آن ها از ۲۰ تا ۳۰ نفر کاری می کنند، ولی در کوره های "دستی" تعداد کارگران از ۴

شرایط ناسامان کارخانه پتروشیمی شیراز حکایت از مشکلات فراوان آن دارد. مشکلاتی که هر چه زودتر و با قاطعیت انقلابی از طرف کارگران و مسئولان باید برطرف شوند. نداشتن مدیریت صحیح، فعالیت ضد انقلاب، عدم رسیدگی به وضع کارخانه و عدم تشکیل کارگران، از مشکلات عمده کارخانه و کارگران هستند. برای رفع این مشکلات و وظایفی وجود دارند که تنها با حرکت فعال کارگران و نیز با نظارت و رسیدگی مسئولان حل خواهد شد.

کارخانه پتروشیمی از بد انقلاب با مشکل مدیریت روبرو بوده است، مشکلی که همیشه به آن کم پیدا شده است، مشکلی که حل آن در عین حال گام نخست برای به راه اندازی جرح های صنعتی کشور است. تعیین مدیریت موسسات صنعتی باید با توجه به کارمندی و پیش فنی و اقتصادی و قابلیت سازماندهی صورت گیرد و باید از کار افراد نالایق و غیر مسئول جلوگیری عمل آورد. بدیهی است لیاقت و مسئولیت در ارتباط تکنیک باوفاداری به انقلاب مفهوم خواهد بود.

ضد انقلاب با نفوذ در کارخانه ها و مراکز تولیدی سعی کرده است کار آن ها را مختل کند و کشور را دچار آشوب و تشنج سازد. همچنانکه می بینیم تاکنون توانسته در کارخانه صنایع پتروشیمی شیراز ضربات جدی به اقدام های انقلابی کارگران بزند و در حال حاضر نیز به طور گسترده در کارخانه فعالیت می کند. این وظیفه کارگران است تا با شناسایی و طرد عناصر ضد انقلابی، از فعالیت مخرب آن ها جلوگیری کنند. کارگران برای جلوگیری از اغتشاش و بی برنامگی در کارخانه باید هر چه زودتر سازمان های صنفی خود (اتحادیه و سندیکا) و همچنین شوراهای تشکیل دهند و فعالانه در امور کارخانه شرکت کنند.

مسئولان باید با همکاری کارگران اقدام های ضروری برای سافقت از کارخانه انجام دهند. باید به چگونگی کار دستگاهها رسیدگی شود و هر خبری بلافاصله مورد رسیدگی قرار گیرد. باید چگونگی تولید تحت نظارت قرار گیرد و سعی شود تولید هر چه بیشتر افزایش یابد.

ضروری است که با حفظ و گسترش چنین کارخانه های وسیع و بهرگیری وسیع از آنها، گام های جدی در تامین استقلال اقتصادی کشور برداشت می توان با استفاده از کارخانه های پتروشیمی صدها نوع محصول گوناگون نفتی مورد احتیاج کشور را تامین کرد. می توان با گسترش آن، طی برنامه های دراز مدت اقتصادی، گامی در جهت مقصداری از محصولات آن را به بازارهای جهانی عرضه کرد. امید است با اقدام های قاطع و انقلابی هر چه زودتر مشکل کارخانه پتروشیمی حل شود و مورد بهره برداری و وسیع قرار گیرد.

يك مسئله خاد و شورى:

به ماشین آلات و دستگاههای مولد کشاورزی روغن و سوخت برسائیم

مواد احتلاات جدی بوجود آوریدند که یکی از نتایج آن سودیبر شتاب قیمت این مواد است...

از جمله مشکلات مهم و اساسی که در روستاهای کشاورز بوجود آمده و باید فوراً مقدمات مسکول و نهادهای انقلابی...

۱- مسئله توزیع درست روغن موتور و سوخت برای وسایل تولیدی کشاورزی را - همانند کشت زمینهای قابل کشت...

۱- از کار افتادن کارخانه‌های تبدیل کننده مواد غذایی، کارخانه‌های برنجکوب و خرم کوب...

۲- اولویت مصرف این مواد برای دستگاههای تولید کننده کشاورزی را از سر کسب تا فید کردوس از زمین سهمیه لازم برای آنها...

۲- از کار افتادن ماشین آلات کشاورزی، تراکتورها، تیلرها، کامیون، تراکتورهای زمستانی...

۳- مقامات دولتی مسکول هراستان، با سهمیه بندی دقیق مواد سوختی و روغن موتور را به کلیه شهرستانها برسانند...

۳- در نتیجه ما شینهای کشاورزی بسیار کم و کمالات آنها را از کار رانده اند...

۴- با همکاری نهادهای انقلابی، امر توزیع عادلانه این مواد بین روستائیان و مشارکت خودشان...

۴- در شرایطی که در این وقت وجود آمده؟ باید به وقت در هر جا مسکولان امور تحقیق و بررسی را پی کنند...

۵- هر چه سریعتر روابطتدر دست واسطه‌ها و ممتکران را کوتاه کرد و با آنها طبق قوانین زمان جنگ در مورد یکی از ضیاعترین وسایل تولیدی، رفتار کرد...

۵- در این وقت وجود آمده؟ باید به وقت در هر جا مسکولان امور تحقیق و بررسی را پی کنند...

۶- عاملین فروش و توزیع صدیق و انقلابی و متعهد را که با جهاد دوسیه و فرماننداری صمیمانه همکاری کنند...

۶- در این وقت وجود آمده؟ باید به وقت در هر جا مسکولان امور تحقیق و بررسی را پی کنند...

۷- شوراها و تعاونیها را از سر کسب تا فید کردوس از زمین سهمیه لازم برای آنها برسانند...

۷- در این وقت وجود آمده؟ باید به وقت در هر جا مسکولان امور تحقیق و بررسی را پی کنند...

۸- شوراها و تعاونیها را از سر کسب تا فید کردوس از زمین سهمیه لازم برای آنها برسانند...

۸- در این وقت وجود آمده؟ باید به وقت در هر جا مسکولان امور تحقیق و بررسی را پی کنند...

نمونه‌ای از فعالیت‌های «جهاد سازندگی گرگان»

تحت نظارت مستقیم جهاد بودامت، ۴- در ده هزار (۱۰۰۰۰) هکتار گندم و پنج هکتار سبزیجات مربوط به کشاورزان مستضعف با کمک سرداران سرباز و دانش آموزان در روستاهای اردبیل، گلن، فخرآباد، نوش، قلعه حسن، اصفهانکلاته...

۵- توزیع ۱۵ دستگاه سمپاش پستی موتور بین روستائیان، جهت سیاحتی بطور موقت و همچنین ۵ عدد تراکتور و یک دستگاه تریلی و دیسک...

در امور درمانی

۱- معاینه و مداوای روزانه بیش از دویست بیمار بدون دریافت هیچ نوع هزینه‌ای... ۲- اعزام بیمارانی که در گرگان امکان معالجه‌شان نیست، به تهران... ۳- اعزام پزشک در سطح روستا...

«جهاد سازندگی گرگان» با انجام فعالیتها و اقدامات گسترده‌ای که در گرگان و توابع آن انجام داده، به موفقیت‌های چشمگیری دست یافته است...

۱- معاینه و مداوای روزانه بیش از دویست بیمار بدون دریافت هیچ نوع هزینه‌ای... ۲- اعزام بیمارانی که در گرگان امکان معالجه‌شان نیست، به تهران...

در امور کشاورزی

۱- توزیع ۱۰۲۸ تن انواع کود-های شیمیایی و توزیع ۴۵۳۴ لیتر سموم مختلف ضد آفات پنبه بیسن کشاورزان با اوزان تریب قیمت، بطوری که در نرخ بازار فوق‌العاده موثر بوده است...

حکومت خانها در دهکده چنگر سیمینوند

تراکتور بدهند، به صاحبان ماشینهای بنزخاور، نیسان، کبوتروس و غیره، هر ۲۰ لیتری ۴۰۰ تا ۵۰۰ تومان فروخته‌اند... در شمال این مسائل، عده‌ای از اهالی در اطراف خانه یکی از فقودال-های منطقه، که در ده ساکن است...

دهکده چنگر سیمینوند (چنگر جلیلود) در منطقه کرمانشاه واقع است... فقر و محنت در این روستا از طسرف فقودال‌های محل به بیگاری گرفته می‌شوند...

دهقانان زحمتکش! دفاع از زمین و در هم شکستن توطنه آمریکا به معنای تولید بیشتر و کشت بیشتر نیز هست... با امپریالیسم مبارزه می‌کنیم



ما دهقانان تمام زمینهای اطراف آبادی را کشت کرده‌ایم، ما به این طریق با امپریالیسم مبارزه می‌کنیم

نمایشگاه یکشنبه خونین مشهد

به مناسبت دومین سالروز قیام خونین مردم مشهد (۱۵ دی ماه ۵۷) از سوی سازمان حزب توده ایران در مشهد، نمایشگاهی شامل عکس و طرح از مبارزه مردم قهرمان این شهر برپا شد.

نمایشگاه "یکشنبه خونین مشهد" چگونگی شکل گیری انقلاب ایران را به نمایش گذاشته در این نمایشگاه همچنین ضرورت اتحاد دو تکلیف را یکی می نماید و رهبری امام خمینی و مقابله با توطئه های امپریالیسم آمریکا و رژیم صدام و طرد سازشکاران لیبرال مورد تأکید قرار گرفت.

این نمایشگاه مورد استقبال بی نظیر مردم مشهد قرار گرفت.



مسئله کردستان را چگونه باید...

بقیه از صفحه ۳

خواهد شد آن وقت باید قبول کنیم که تا مین استقلال اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی ایران بر اساس منافع توده های عظیم محرومان و زحمتکاران ایران، آن نخستین گام اساسی است که اجباراً و در هر حال و احوال، باید در راه حرکت به سوی رفع ستم ملی از خلق کردستان و سایر خلق های ایران برداشته شود. همان طور که در بالا گفته شد، ممکن است در نخستین مراحل این گام اجباری تاریخی، یعنی راندن امپریالیسم و تا مین استقلال ایران، به علل عینی، اصلاً به مسئله ملی در ایران توجه هم نشود و حتی نام مسئله ملی و مسئله کرد هم حتی به میان نیاید. ولی حتی در چنین حالتی هم، اصلاً از اهمیت این گام ضروری و اجتناب ناپذیر (بمنابه گامی درست ایجاد شرایط برای رفع ستم ملی) ذره ای کاسته نخواهد شد.

بنابراین، در این برهه، سرنوشت ساز تاریخی، مسئله تا مین استقلال واقعی ایران یعنی راندن امپریالیسم و برکنار کردن ریشه های سرمایه داری وابسته (و بزرگ زمین داری) دارای اهمیت تعیین کننده است و بقیه مسائل و از آنجمله مسئله ملی، تابع آنست. اگر کسی و یا گروهی مبارزه ضد امپریالیستی استقلال طلبانه سرزمین ایران را به درجه دوم اهمیت تنزل دهد و مسائل دیگری را به مسائل عمده تبدیل سازد، از آنجا که کار خلاف واقعیت انجام داده، هم همه مردم ایران و هم خلق کرد را به گمراهی و نافرمانی خواهد کشاند. بر در حالتی این گمراهی ممکن است کار را به "همکاری با عیطان" هم برساند. همه به یاد داریم که چند سال پیش جناح راست گرای جنبش رهایی بخش کردستان عراق، درست سه همین علت که مقام اول را نه به منافع استقلال ضد امپریالیستی سرزمین عراق، بلکه به مسئله ملی کردستان عراق داده بود، به دام "همکاری با عیطان" افتاد و این جنبش طبعاً رژیم نفوذ شاه و امپریالیسم آمریکا شد. همه از پایان بردن کار "همکاری با عیطان" خبر دارند که در جنبش اصیل و انقلابی یک خلق ستمدیده، استحاله ضد انقلابی رخ داد و بهر سوره مبارزات قهرمانانه، بیش از ده سال مردم رنج دیده، کردستان عراق به جیب شاه و آمریکا رفت. خلق کردستان عراق و بلکه همه مردم عراق هنوز هم تلخی این گمراهی و قهر را می چشند.

نیروهای اصیل انقلابی کردستان از این همه تجارب خونین و تلخ تاریخ خلق خود می آموزند و می دانند که انقلاب بزرگ ایران و جمهوری اسلامی ایران، آن دستاورد عظیم تاریخی است که همه مردم ایران و از جمله خلق کردستان ایران باید با جان و دل از آن پاسداری کنند. با اطمینان می توان گفت که اگر قاضی محمدمهدید امروز زنده می بود، دست در دست امام خمینی می نهاد و مانند همه مبارزان راستین در ستر دفاع در جمهوری اسلامی ایران قرار می گرفت. بهر حال صدیق راه قاضی محمد نیز امروز همین راه را می روند و موضع گیری های حزب دمکرات کردستان ایران (پیرو کنگره چهارم) در مقابل خط مشی های انحرافی که به جنبش خلق کرد تحمیل شده است، گواه بر این حقیقت است. خلقی که صد سال است در راه رهایی خود می زند و بی سببانه صدها هزار شهید قربانی داده است، خلقی که سی و پنج سال پیش جنبش چنان بزرگ بوجود آورد و در نخستین سگرهای استقلال و آزادی ایران قرار گرفت، هرگز آزار نخواهد دید و ادعای خوست های حق و مشروع وی به آلت اجسرای سیاست امپریالیسم غارتگر سرگردگی آمریکا و عمل وی از قبیل رژیم جنایتکار صدام علیه جمهوری اسلامی ایران بدل شود.

همه امیدوارند و انتظار دارند که مجلس شورای اسلامی ایران و دولت انقلابی کشورمان، با اتکال بر پیام تاریخی امام خمینی (مورخ ۲۶ بهمن ۱۳۵۸) و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و با اعتماد و تکیه بر نیروهای صدیق و انقلابی کردستان، مسئله کردستان را از طریق سالم و بدون گونگه که سزاوار یک نظام انقلابی و جامعه مستقیم بر مبنای عدل و اخوت است، در حدود ممکن و معقول حل نمایند و بدین وسیله همه را از یک خللیس و ستم خدایان بختند و هم راه را بر توطئه های امپریالیسم جهانی و ضد انقلاب داخلی سد کنند.

به مناسبت سی و پنجمین سالگرد جنبش تاریخی ۲ بهمن ۱۳۲۲، به خلق قهرمان کرد، به دمکرات های وفادار به راه قاضی محمدمهدید پشیمان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، مورد می فرستیم و در برابر سزار شهیدان این جنبش بزرگ و تاریخی سرعظیم و تکریم فرود می آوریم.

پایان

مرز انقلابی و ضد انقلابی کجاست؟

انقلاب چنین باشد: پسویه الحق - ها، صدام حسین ها، محمد انور السادات ها، شاه حسین ها، شاه حسن ها، ملک خالد ها، سلطان شاه و... (که همه در از اسلام می زند و به مسجد می روند و نماز می خوانند) که زیر فرمان امپریالیسم آمریکا در حال توطئه دایمی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران اند، "انقلابی" می شوند و در کنار جمهوری اسلامی ایران قرار می گیرند و کشورهای سوسیالیستی و ضد امپریالیستی و احزاب ترقی و کمونیستی و کارگری، که در تمام دوران انقلاب و پس از آن بی دریغ در کردار و گفتار از انقلاب ایران حمایت کرده اند، در مقابل انقلاب و جمهوری اسلامی ایران قرار می گیرند! و این همان حرف بزرگترین است که در ملاقات الجزیره به نمایندگان دولت بوقت گفت: "بهر جهت ما از لحاظ خداید پرستی یا هم متحدیم و در مقابل کمونیست های بی خدا قرار نمی گیریم" عمل امپریالیسم با سوء استفاده از اعتقادات مذهبی مردم شاید بتوانند برای چندی این مظهر را پیش ببرند و دعوی انقلاب و ضد انقلاب را به دعوی کفر و ایمان بدل کنند، ولی زندگی، انقلاب، حقیقت از آن ها قویتر است و آفتاب را نمی توان به کل انود.

تازه شایان ذکر است که تهمین کردن کشورهای سوسیالیستی و ضد امپریالیستی و احزاب پیشرو و کمونیست و کارگری به "کفر" خود تهمیتی بیش نیست. ما بارها گفته ایم که جنبش انقلابی سوسیالیستی جهان یک جنبش مذهبی یا ضد مذهبی نیست، بلکه یک جنبش سیاسی، اجتماعی، اقتصادی است. این جنبش نه تنها به مذهب در قول و عمل احترام صدیقانه می گذارد (زیباً می داند که مذاهب اعتقادات قبلی توده های میلیونی است گوی خواستار رهایی آن ها است) بلکه در خود جنبش، میلیون ها تن مذهبیون معتقد شرکت دارند، مذهبیونسی که سوسیالیسم علمی را به عنوان "طرح اصلاح اجتماعی پذیرفته اند و از این نظر، مابین آن و قرآن و انجیل و تورات و اوستا و کتب عهد عتیق تفاوت ماهوی نیافتادند. پس این چه نفرت خورد غیر عادلانه و غیر واقع بینانه ای است که کسی نباید این جنبش عدالت خواهانه و انسان دوستانه "کفر" تلقین و تحقیر کند.

اگر ما در این دام بیفتیم که مرز انقلاب و ضد انقلاب را به مرز کفر و ایمان مذهبی بدل کنیم و سپس همه انقلابیون واقعی جهان مانند هوشی مینها و قیدل کاسترو - ها را در "خط کفر" بیانداریم و تمام مترجمین جهان از قیاسل کارتها و صدام ها را در طریق ایمان، ببینید مرتکب چه جنایت عظیمی شده ایم.

خط فاصل و مرز جدایی جای دیگری است: این خط جایی است که مفرسها را از دکتر امین ها (که خود را امام جمعه تهرسان می دانست) جدا می کند، یعنی سلطان فارسی، غلام ایرانی را در کنار رسول الله و علی بن ابیطالب

یکی از ترغدهای مهم دشمنان انقلاب مخلوط کردن دوستان و دشمنان انقلاب است. تحت پناهش های گوناگون، که در پاره آن نامه "مردم بارها سخن گفته است. ترغند دیگر آن ها محور کردن و مخلوط ساختن مرز انقلابی و ضد انقلابی است.

در شرایط کشور ما، در واقع کدام مرز یک انقلابی را از ضد انقلابی جدا می کند؟

بمنظر ما، این مرز در نحوه پاسخگویی به مهم ترین مسائل انقلاب است مانند: مبارزه با امپریالیسم و ارتجاع جهانی، به سرگردگی امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی انقلاب ایران، مبارزه با سرمایه داری بزرگ و وابسته و بزرگ مالکی، مبارزه با بقایای عوامل رژیم گذشته، مبارزه با لیبرالیسم، که جویای ماندن انقلاب در نیمه راه و خواستار حفظ نظام سرمایه داری و بزرگ مالکی است، مبارزه با رژیم ها و نیروهای ارتجاعی منطقه، مبارزه با توطئه و تجسوز خارجی و داخلی، پشتیبانی از خط ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی، دفاع از سلطنت انقلابی پیرو خط امام خمینی، دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، شرکت عملی در سازندگی جمهوری اسلامی، تقویت نهادهای انقلابی، حمایت از حقوق و منافع زحمتکاران و محرومان، دفاع از حقوق و آزادی های دموکراتیک مردم و غیره.

کسی که در این گمراهیها روش مثبت و خلق دارد، انقلابی است، والا وارد طیف وسیع کسانی می شود که با انقلاب بی علاقه اند و یا با آن مخالفند.

شایان ذکر است که در جنبه انقلاب، در جنبه نیروهای انقلابی هم، درجات گوناگونی از انقلابیگری وجود دارد. به سخن دیگر، عناصر متشکله جنبه انقلاب نیز یکدست نیستند، زیرا در جنبه انقلاب هم افراد و نیروهای، با منافع طبقاتی گوناگون و در نتیجه، با مواضع سیاسی و ایدئولوژیک گوناگون وجود دارند، که بر حسب آن ها، "درجه" انقلابی بودن آن ها باید یکدیگر تفاوت دارد. به همین جهت در جنبه انقلاب هم تفاوت نظر و اختلاف نظر درباره مسائل مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی وجود دارد. به همین جهت در جنبه انقلاب هم مبارزه وجود دارد. ولی تهمین آن اختلاف نظر و تفاوت نظر عمده است و نه این مبارزه عمده، در جنبه انقلاب افراد و نیروهای که به طور عمده دارای هدف مشترک هستند، بر اساس اصل اتحاد، مبارزه، اتحاد عمل می کنند و باید بکنند. به سخن دیگر، عمده اتحاد است و مبارزه هم صورت می گیرد تا اتحاد در سطح عالی تر، برپایه هدف های عمده تر و نظرات درست تر، برقرار گردد.

پس خط مرزی بین انقلابی و ضد انقلابی، یک سلسله مسائل سیاسی و اجتماعی و اقتصادی است. اصلاً کسانی - برخی ناآگاهانه و بسیاری آگاهانه - می آیند و این مرز واقعی را با خشم تمام پامال می کنند و میزدانند و میگویند: مرز انقلابی بین کفر و اتحاد است از سویی و دیانت اسلام از سوی دیگر! ولی اگر مرز بین انقلاب و ضد

می نشاند و ابولهب، عوی، یغیر، را از آنها جدا می آید، یعنی خوبان نزدیک را در مقابل هم قرار می دهد و بیگانگان را در کنار هم. نه مذهبی و نه خوبان و نه هیچ کدام پایه گامی برای همبستگی از امور اجتماعی و بویژه انقلابی نیست. این جا، داشتن ست واحد انقلابی لازم است. به همین جهت است که ما "خط امام خمینی" را همان ست درست ضد امپریالیستی و مردمی در انقلاب ایران دانستیم که از شخصیت امام خمینی، به مناسبت رهبر انقلاب، نشأت می کند.

به همین جهت ما بیش از کسانی تصحیح می کنیم که تصحیح می کنند، چگونه حزب توده ایران می گوید که "خط امام خمینی" پشتیبانی میکند، ما تصحیح می کنیم چگونه کسی که محتکر است، بهر هوش است، از دل و جان دل بسته اصول سرمایه داری است وجود چیزی به نام "امپریالیسم" را ابتدا به رسمیت نمی شناسد و فقط برایش آمریکای عزیز مطرح است. به صرف ریش و تسبیح و خواندن نماز و قرائت قرآن خود را پیرو "خط امام خمینی" می داند بدون کف امام خمینی دارای مرجعیت مذهبی است، ولی این امر در مفهوم "ولایت فقیه" به یک مقوله سیاسی و انقلابی بدل می شود و به همین جهت است که امام خمینی را "رهبر انقلاب" می نامند. یعنی چه رهبر انقلاب؟ مگر رهبری انقلاب جدا از امور سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و فرهنگی بخش است؟ آیا رهبر انقلاب می تواند در این امور سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، که آن را رهبری می کنند، صاحب خط و سمت و نظر نباشد؟

الته باید باشد و هست. اگر چنین است، پس آن خط سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی رهبر انقلاب، است که تمام محتوی کار او در این رهبری است، چیست؟

این سفسطه نه تنها برای خلط مرز انقلاب است، بلکه اهانت بزرگی است به امام خمینی، که در تصمیم عرض برای خصلت سیاسی اسلام انقلابی مبارزه کرده و جهت برجسته اسلام را در نبرد آزماهی اجتماعی سیاسی آن دانسته و بر حذر داشته است که اسلام را نباید به احکام "جنسی و نژادی" تبدیل کرد.

لذا نخراب ما ذبحی است که در مقابل لیبرال ها و قزاقین، که می خواهند "خط امام خمینی" را به خط مبارزه با "کفر" بدل کنند، به محتوی اساسی "خط امام خمینی" را مبارزه با استبداد، استعمار و استعمار می داند، یعنی یک مضمون اصیل انقلابی، این یک تعبیر دلخواه نیست. این تعبیری است که خود امام خمینی دهها و شاید صدها بار در سخنان خود به تصریح و تلویح از آن یاد کرده اند. این تعبیری است که امام خمینی از اسلام راستین دارند.

منتها کسانی گوشتان را عمداً کرمی کنند و نمی خواهند به روی مبارک خود بیابند و به اصطلاح "تجاهل العارف" می فرمایند. گویی اگر آن ها نخواهند واقعیت را ببینند، واقعیت نیز طاقت ادامه حیات نخواهد داشت!

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

خط امام و خط لیبرال ها در باره اشغال جاسوسخانه

«گروگان گیری»

از پیچهای مهم تاریخ وطن ما بعد از پیروزی انقلاب، روشنگر نظریات و خطوط سیاسی بسیاری بوده است. دو خط عمده را در این زمینه، بدون کمترین اظهار نظر، به نقل از نمایندگان این دو خط - خط امام و خط لیبرالها - برای آگاهی عمومی نقل می‌کنیم:

«گروگانگیری» ۵۲ جاسوس آمریکا پایان یافت و یا آن، پس از یکسال و چندماه، دفتریکی از شورانگیزترین مبارزات ضدامپریالیستی خلق ما به ورق پایان رسید. «گروگانگیری» جاسوسان آمریکائی، بعنوان یکی

نظر خط امام و خط لیبرال ها در باره دانشجویان مسلمان پیر و خط امام

لیبرال ها: این ها دانشجویان خط امام نیستند، خط شیطانند

فصل این آقایان بسیار عمل ضداسلام و ضدقانون است که بکطرفه بایند و چیزهایی را بقول خودشان افشا کنند و بهت‌های فراوانی بزنند. این عمل بسیار عملیست و خلافتی است که این دانشجویان انجام میدهند و همه با این عمل آنها مخالف هستند و عمل آنها ضدانقلاب، اسلام و امام و ضد همه چیز است. من بطور خلاصه میخواهم بگویم که افشاگریهای قبلی و حال و آینده دانشجویان مقداری از آنها دروغ است و دروغ گفتن هم خیلی آسان است. حالا اختیار مملکت افتاده است به دست چندتا بچه و این چای برادر تاسف است. غربیه و لطمه کار غلط دانشجویان متوجه انقلاب و امام خواهد شد. (مهندس بازرگان - کیهان - ۱۷ بهمن ۱۳۵۸)

«آقای بازرگان رفتند در مسجد نارنگی گفتند: فانیها دانشجویان خط امام نیستند، خط شیطانند. (از حجت الاسلام خلخالی - جلسه علنی مجلس ۲۸ شهریور ۵۹)

«من متقدمم که کار آنها بسود انقلاب نبوده است و حرکات اخیر آنها انحراف از خط امام بوده و کاری بسود مبارزه علیه آمریکا انجام ندادند» (قطب‌زاده - اطلاعات ۲۲ اسفند ۱۳۵۸)

«من برای آن آقایانی که آنها هستند، اصالت و اهمیتی قائل نیستم. بنابراین تسلیم این بازبها هم نخواهم شد و جواب همه آنها را هم خواهم داد. مساله هم قیلا به اطلاع امام برسیده بود و دانشجویان هم در این مورد دروغ گفته‌اند.» (قطب‌زاده - اطلاعات ۱۹ اسفند ۱۳۵۸)

امام خمینی: دانشجویان مبارزی که لانه جاسوسی را اشغال کرده‌اند، ملت ایران را سرفراز کردند

«هانطور که بارها گفته‌ام، ما خواستار استرداد شاه و اموال ملت از او می‌باشیم و دانشجویان مسلمان و مبارزی که لانه جاسوسی را اشغال کرده‌اند، با عمل انقلابی خودشان غربیه‌ای بزرگ بر بیکر آمریکائی جهانخواه وارد نموده و ملت را سرفراز کردند» (از پیام امام خمینی - ۱۵ اسفند ۱۳۵۸)

«مساله‌ای که این روزها مطرح شده است، قضیه آمریکا و گروگانهای جاسوس آمریکائی است که در دست دانشجویان مسلمان و مبارز است» (از پیام امام خمینی - ۲۰ اسفند ۱۳۵۸)

«مخداوند شما جوانها را که متعهد به اسلام و در خدمت اسلام هستید، حفظ کند و به شما توفیق هرچه بیشتر برای رسیدن به هدفهای اسلامی بدهد.» (سخنان امام خمینی خطاب به دانشجویان مسلمان پیر و خط امام - ۲۳ و ۲۴ اسفند ۵۹)

«الان مرکز فساد آمریکا را جوانها رفتند گرفتند، آمریکائیها را هم که در آنها بودند گرفتند و این لانه فساد را بنیست آوردند و آمریکا هم هیچ غلطی نمی‌تواند بکند.» (از سخنان امام خمینی - اطلاعات ۱۷ اسفند ۵۹)

«جوانان ما با تمام قدرت توجه به توطئه‌ها داشته‌باشند، تا این توطئه‌ها را از زمین ببرند. امروز روزی نیست که ما پشتیبانیم و نگاه کنیم. امروز خیانت‌های زیرزمینی در کار است که در همین سرفرازخانه طرح‌ریزی میشود و عده‌اش از شیطان بزرگ امریکاست.» (از سخنان امام خمینی - ۱۵ اسفند ۵۹)

«این (فتح لانه جاسوسی) یک جنبه سیاسی داشت و یک ارزش سیاسی داشت که همدارزشبا پیش او کوچکند. اینهایی که خیال می‌کنند که بواسطه اعمال اینها در تنگنا واقع شدیم، اشتباه می‌کنند... این جوانهای عزیز ما رفتند و البته روح کشیدند و زحمت کشیدند... و آنها را گرفتند.» (دیپار امام خمینی یا دانشجویان مسلمان پیر و خط امام، ۱۳ آبان ۱۳۵۹)

برداشت خط امام و خط لیبرال ها درباره اثرات «گروگان گیری»

لیبرال ها: مساله «گروگان ها» همه اشکالات مملکت ما را باعث شده

«دعوه با عمل آنها مخالف هستند و عمل آنها ضدانقلاب، اسلام و امام و ضد همه چیز است. غربیه و لطمه کار غلط دانشجویان متوجه انقلاب و امام خواهد شد.» (مهندس بازرگان - کیهان - ۱۷ بهمن ۱۳۵۸)

کار دانشجویان بسود انقلاب نبوده است

«بیشتر این افشاگرها بدون نظارت و دخالت مرجعی صلاحیتدار و قانونی بوده و غالباً مبتذل بوده است و هیچگونه سندیتی ندارد و معلوم نیست که برای خارج کردن افسراد صلاحیتدار از گردونه فعالیت سیاسی بوده است... کار آنها بسود انقلاب نبوده است و حرکات اخیر آنها انحراف از خط امام بوده و کاری بهسود مبارزه علیه آمریکا انجام ندادند.» (قطب‌زاده - ۲۰ اسفند ۱۳۵۸ - اطلاعات)

همه اشکالات از «گروگان» هاست

«مساله گروگانها مساله‌ای شده که همه اشکالات مملکت ما را باعث شده...» (یدالله صاحب - جلسه علنی مجلس، ۸ تیر ۵۹)

«گروگان گیری» میلیاردها دلار به ما صدمه زد

«گروگانگیری وسیله‌ای برای پیشرفت توسعه‌حسابهای گروهی شد و عملکردشان نشان می‌دهد که به‌علاوه کار خودشان را با حب و بغض‌های گروهی انجام داده‌اند و گروه‌های خاصی بهره‌بردارهای مخصوصی از اینکار کردند.»

«از لحاظ اقتصادی گروگانگیری به ما میلیاردها دلار لطمه زده‌است.» «ضربه افشاکاری دانشجویان نتایج منفی در داخل کشور داشته، چون افرادی که بین مردم نسبت به عناصر انقلاب و کسانی که برای جنبش زحمت کشیده‌اند، وجود داشته، متزلزل

امام خمینی: در ایران باز انقلاب است، انقلاب بزرگتر از انقلاب اول

«ملت، بدست دانشجویان مسلمان و مبارزاتی میماند.» (دفتر امام - ۱۷ فروردین ۱۳۵۹)

در ایران باز انقلاب است

«امروز ملت ما و جوانهای ما که سالیانی طولانی تحت فشار و تحت رنج بودند، رفتند و چندفتری را که در آن لانه جاسوسی برضد ملت ما بودند، بلکه برضد منظم و فراق و شواهد براین امر زیاد است. بزرگترین شاهد اینکه تمام بیرونده‌ها و چیزهایی که در آنها بوده است، تا توانستند بدل به پودر می‌کردند که دیگر قابل استفاده نیست.»

«امام خمینی در پاسخ نماینده پاپ - ۱۹ آبان ۱۳۵۸)

«گروگانگیری» عکس العمل جنایات آمریکا بود

«دولت ایران و جناب آقای رئیس‌جمهوری تمام کوشش‌ها و وسوسه‌ها را در استرداد شاه خائن و اخذ اموال ملت ایران از او بنمایند که ملت دایر دست از این خواست برحقشان برنمی‌دارند و قسمی به‌عقب نمی‌گذارند. یکی از آثار این خواست تصرف لانه جاسوسی بوده که مورد تأیید ملت ایران قرار گرفت و چیزی جز عکس‌العمل جنایات دولت آمریکا نمی‌تواند باشد.»

«از پیام امام - ۵ اسفند ۱۳۵۸)

همه ارزش‌ها پیش آن کوچکند

«این (فتح لانه جاسوسی) یک جنبه سیاسی داشت و یک ارزش سیاسی داشت که همدارزشبا ارزش‌ها پیش او کوچکند. اینهایی که خیال می‌کنند که بواسطه اعمال اینها در تنگنا واقع شدیم، اشتباه می‌کنند... این جوانهای عزیز ما رفتند و البته روح کشیدند و زحمت کشیدند... و آنها را گرفتند.» (امام خمینی در دیدار با دانشجویان پیر و خط امام - ۱۳ آبان ۱۳۵۹)

«حالا که توطئه برای ملت ما ثابت شده است و عمل جوانان ما را تمام ملت‌تقره‌های آن، الاشیخ‌نحرفین، در اینجا و در سایر ممالک دیگر، از آن پشتیبانی کردند و این خواست تمام ملت ما بوده است، نه خواستی که از روی هوی نفسانی باشد.» (از پیام امام خمینی - ۱۵ اسفند ۱۳۵۸)

این يك مساله ملی است

«آمریکا پایگاه نظامی دست کرده پایگاه همگی و پایگاه جاسوسی هم درست کرده که این مرکز است. جوانهای ما رفتند، کشف کردند که مرکز، مرکز جاسوسی است و افراد جاسوس است و افراد جاسوسی و یک موجودی که انسانی که یک آدمی که دیپلمات باشد و عرض می‌کنم که از اعضای سفارتخانه، به‌اینکه سفارت باشد، معلوم نیست، در اینجا باشد، بنابراین، همه ملت ما بدنیال اینها بودند. دولت‌هم نمی‌توانست خلاف بکند. دولت اینجا ملت است. همه چیز دست ملت است. دولت هم مخالفت نمی‌کرد. این یک مساله ملی است که ملت ما هشون با هم موافقت دراینکه این لانه باید از زمین برود و ما دیگر اجازه نمی‌دهیم که مرکز ما، در محل ما، یک مرکز جاسوسی برای جاهای دیگر بشود. این اجازه را نخواهیم داد. ملت‌هم نخواهد داد. دولت هم نخواهد داد.»

«امام خمینی در مصاحبه با حسین فیکل - ۳۰ آذر ۱۳۵۸)

دانشجویان مسلمان و مبارزان

«ملت شریف ایران، هانطور که قیلام فذکر داده بودیم، موضع حضرت امام خمینی، رهبر انقلاب اسلامی ایران درباره گروگانها تغییر نموده است و چون گفته گروگانها و سفارت با تشکیل مجلس شورای اسلامی و تعیین سرنوشت آنان بدست وکلای مجترب

«اگر منزوی نشده‌ایم، اگر آهه‌ای حزب توده صحت دارد که گروگانگیری ایران را در جهان منزوی نکرده، پس چرا حتی‌الکمال خود را منزوی نکرده» (میزان - شنبه ۵ مهر - ۱۳۵۹)

پایه در صفحه ۸

روز ۲۳ دیماه ۵۹ گروهکهای ضدانقلابی مائوئیستی، از هواراران خود و دودهای خلق دعوت کردند که در مقابل دانشگاه تهران حاضر شوند و دانشگاه را بکشایند. آغازگر این توطئه، لیرالهای سازشکار بودند که چندی قبل، درست در پیروچه تدارک توطئه چندین امپریالیسم آمریکا، عوامفریبانه خواستار گشایش انقلابی را برانگیختند.

در روز موعود، دودهای خلق به مقابل دانشگاه آمدند، اما هیچ توطئه گستران را محکوم کردند. آنها با پختن پوستهای متوال کردند که آیا آمریکا توطئه دیگری را عملی میکند که باز دیگر گروهکهای چپهای آمریکایی به خیابانها آمدهاند.

گروهکها اما هیچک در مقابل دانشگاه پیدایش ندادند. «پیکاره» روزنامه گمانه «دراه کارگر» در پیروچه... در کوچه پس کوچهها خود را نشان دادند. اما سئوال مردم انقلابی، پرسش بجائی بود. این گروهکها حواء در آستانه هر توطئه، با پاهای ظاهر فریب چه خیابانها ریخته و با هیای ساروکیهای از بند گریخته و ضدانقلاب جبهه، درگیری و تشنج برپا داشته و در ایجاد زمینه وارد شدن ضربه توطئه، از هیچ تلاش فروگذار نکرده بودند.

برخورد مردم، سپاه پاسداران انقلاب، یانگر هشیار و آگاهی قابل توجهی نسبت به اهداف واقعی این ضدانقلابیون بود که به خنثی شدن توطئه بسیار کمک کرد. اما برخورد همه نیروها با این توطئه آمریکایی، از چنین زاویه درستی نبود. لیرالها و عناصر ضدانقلابی تلاش کردند، تا طعنه واقعیت عیان، غریبه را علیه نیروهای انقلابی امیل برگردانند. لیرالهای «میزان» از گروههای خرابکار و ضدانقلابی مائوئیست بسمت گروههای دکوئیست یاد کرده تا به خیال

چند درس از یک تجربه

خود کمونیستها را بدنام سازند. مائوئیستهای ضدانقلابی در پیروچه هم که در میان صفوف مردم رخنه کرده بودند، اینجا و آنجا تلاش کردند تا شمارها را از محکوم کردن آمریکا و گروهکهای آمریکایی منحرف کنند و علیه حزب توده ایران متوجه سازند. حتی - با کمال تأسف - برخی نشریات متضاد و انقلابی نیز از مائوئیستهای آمریکایی با نام «مارکسیستها» یاد کردند و پندوسان - خواسته یا ناخواسته - در راه بدنام کردن مارکسیسم گام گذاشتند. ولی تمامی این تلاشها با شکست کامل لیرالها بیابور و خط انقلاب و ضدانقلاب آشکار شد و درسی گرانبها یاد دیگر روز شد.

ما این درس را یکبار دیگر، برای آگاهی کسانی که هنوز بدان پی نبردهاند، ولی نسبت به انقلاب وفادارند و از امپریالیسم آمریکا و آیدای داخلی تفر دارند و به شناختن دشمنان و حیل آنها علاقمندند، تکرار می کنیم. بیشک لازم به تذکر نیست که روی سخن ما در اینجا با مائوئیستها و لیرالها نیست.

۱- مائوئیسم، مارکسیسم نیست. «تومی» از مارکسیسم هم نیست، بلکه درست یک آیدئولوژی عینتاً ضدمارکسیستی است و درست بعبود میبازد با مارکسیسم اصیل ساخته و پرداخته شده است. همانگونه که داسلام، ساداتها را اگر کسی اسلام محمد و علی و یا نومی از اسلام محمد و علی بخواند، بهاسلام و آراءهای اسلامتخواهانه و انسانی آن ظلم روا داشته است، مائوئیسم را مارکسیسم نامیدن و از گروهکهای ضدانقلابی مائوئیستی بسمت گروههای مارکسیستی نام بردن نیز بدور از واقع و غیرمنصفانه است.

۲- گروهکهای مائوئیستی، که به طور مستقیم یا غیرمستقیم توسط عوامل امپریالیسم آمریکا و چین خلق و یا کنترل و هدایت می شوند، نه فقط موطنند، تا طرح شمارهای چپها، مردم و بوزیر روشنفکران ناآگاه را بفریبند و بجانب خود بکشایند، بلکه همین و بطور عمده وظیفه دارند که با توطئه گری و تحریک زیر نام «مارکسیسم»، مارکسیسم اصیل را بدنام سازند، نیروهای انقلابی غیرمارکسیست را علیه مارکسیستهای اصیل و یا بخشی از نیروی خلق را علیه بخش دیگر تحریک کنند و میان صفوف متحد خلق، تفرقه برانگیزند و کشمکش ایجاد کنند و یا نتیجه نیروی خلق را در مبارزه بر ضد امپریالیسم، ضعیف نمایند. بهمن دلیل تمام کسانی که پنحوی عمل این ضدانقلابیون را

بیای «مارکسیسم» می نویسند، در واقع خواسته یا ناخواسته به همین هدف خدمت میکنند.

۳- حزب توده ایران که اصیل ترین بخش نیروهای مارکسیستی جامعه ما را تشکیل می دهد، سادگانو با تمام قوا از انقلاب دستاوردهای آن و جمهوری اسلامی ایران دفاع و پشتیبانی می کند. این واقعیتی انکارناپذیر و اثبات شده است که تجربه ۲۳ دیماه ۵۹ نیز آنرا بشار دیگر به محک زد. حزب توده ایران اولین نیرویی بود که این توطئه گروهکهای آمریکایی را افشا ساخت و نسبت بدان هشدار داد.

مخلوط کردن حزب توده ایران با گروهکهای چپهای آمریکایی از طریق اطلاق نام «مارکسیست» یا «دکوئیست» به آنها عملی است که اگر در پیرو بوساطه ناآگاهی موجود نسبت به مواضع حزب توده ایران و نیز گروهکهای مائوئیستی، توجیه داشت، اما امروز غیرقابل قبول است. امروز هکمان میبندند که با حزب توده ایران، که تاریخ پرافتخار چهل ساله ای پشت سر خود دارد و سادگانو با تمام توانش از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران مدافعه می کند، نمی توان همچون آن گروهکهای بی هویت و ضدانقلابی برخورد کرد و یا ایندو را با یکدیگر مخلوط نمود.

چنین روشی اکنون تنها کسانی که بدان توسل میجویند، به اعتبار میکنند و از آنجا که لطمه وارد شدن به اعتبار نیروی متضاد و انقلابی، لطمه وارد شدن به اعتبار انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است، از چنین روشی که درخور نام مبارزه سراسر نیست، باید اکیداً اجتناب شود.

امیدواریم که تکرار این تجارب، که دهها بار از آزمون گذشتهاند، دیگر ضرور نگردد.

برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی تجهیز شود

جهان مرب سالرز تولد - جمال عبدالناصر را بر گزار کرد. در بیروت انجمن باشکوهی بپاد رئیس جمهور قذیف مصر بپارکت رهبران برجسته فلسطینی از جمله یاسر عرفات و رهبران نیروهای بین دوست لبنان و جنبش ملی مصر بر گزار شد. سخنرانان و آذآور بودند که عبدالناصر در سرتاس دوران زندگی خود از منافع خلقهای عرب در برابر امپریالیسم و سبویسیس دفاع کرده است.

در صیدا، طرابلس و دیگر شهرهای لبنان نیز مراسم مشابهی بر گزار شد. همچنین یک سمپوزیوم در لبنان بمناسبت سالگرد تولد جمال عبدالناصر بر گزار شد. در این سمپوزیوم اثرات افکار ناصر بر جنبشهای پیشرو عرب و مبارزه با امپریالیسم و سبویسیسم، مورد بحث قرار گرفت. فقهی

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر پیرزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۲۸ (دفتر نامه مردم) هنوز در اختیار نامه مردم نیست

NAMEH MARDOM
No. 427
25 January 1981

Prices:
West-Germany 0.80 DM
Franco 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.

برگزاری سالروز تولد جمال عبدالناصر

حسین، سردبیر سابق نشریه «روزالوسف»، منتشره در مصر، در صحابه ای گفت: «ناصر متوجه این نکته شده بود که کشور می تواند تنها در یک مستگیری سوسیالیستی استقلال خود را بپسند آورد». فقهی حسین اضافه کرد: «در زمان ناصر صنایع سنگین مصر پایه گذاری شد و سطح زندگی مردم بالا رفت. سیاستهای ناصر در مبارزه با امپریالیسم و ارتجاع، حیثیت مصر و رفاهیان کشورهای جهان سوم بالاراد. اما بعد از ناصر سیاستهای خانانها سادات این اعتبار جهانی مصر را به یاد داد، لیکن نباید فراموش کرد که مردم مصر از مبارزات گذشته خود تجارب زیادی دارند و نیز با زود حیثیت از دست رفته کشور خود را احیاء خواهند کرد».

رویدادهای جهان

صدام حسین به صلح انقلابی کمک میکند
رژیم مزدور صدام حسین نه تنها علیه ایران دست به تجاوز و خیانت زده است، بلکه علیه دیگر کشورهای ترقیخواه منطقه نیز توطئه می کند. روزنامه دپلی تلگراف، در شماره روز دوشنبه خود گزارش داد که رژیم صدام حسین، که از حمایت رژیم از انقلاب ایران به رهبری امام خمینی، در تجاوز عراق علیه ایران، خصمگین شده است، ضدانقلابیون لیبی را مورد حمایت قرار می دهد. این روزنامه همچنین نوشت که رژیم صدام می خواهد بدین ترتیب در لیبی هم ترمج ایجاد کند. بنوشته این روزنامه، ماوراز انتمی صدام پیش از دویست تن از ضدانقلابیون لیبی را در عراق آموزش می دهد.

مواضع دشمن ...
پتیه از صفحه ۱
آورد. پرسیب نیز نیروهای متجاوز عراق، نقابلی از شهن ابادن را زیر آتش توپخانه خود قرار دادند و خساراتی وارد کردند. در نتیجه، همی مستخلفان ابادان میباده آتش بین یکدیگر زومندند ارتش جمهوری اسلامی ایران و دشمن متجاوز ادامه داشته و تلفات و غایبانی به دشمن وارد شده است، از تعداد مجروحان و کشتههای آن، اطلاع دقیقی در دست نیست. در این منطقه در چند روز گذشته، ۸ تن شهید و ۵۰ تن مجروح شده اند. ۲- شهر سوئنگر، در زیر آتش شدید توپخانه نیرو- های متجاوز عراق قرار داشت و نیروهای رژیمده جمهوری اسلامی ایران نیز دشمن را در این جبهه زیر آتش توپخانه و خمپاره انداز خود قرار دادند. در این جبهه ۳۲ تن از نیروهای خودی شهید و ۱۳ تن دیگر مجروح شدند. متجاوزین به هلاکت رسیده اند.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

باشد. کمی می تواند به خود اجازه دهد که مثلاً بپوشد: آیا رابطه ای مابین گروهک انگیزی و جنگ عراق و مصائب فعلی هست؟ (مهندس بازگان - میزان چهارشنبه ۲ آبان ۵۹)

«گروگانگیری» پنجه بر روی پلنگ زخم خورده آمریکا بود

فصل آنکه جسم مجروح مملکت دچار ناتوانیها بود، روحیه پسر خورشید جهاتگیک مبارز طلب دشمن ترانس انقلاب و یارکومیکر بردوش ملت قرار داد. یکی پنجه بروی پلنگ زخم خورده ایبر قدرت آمریکا با مسئله گروگانگیری، ضمن پسر زدن ایبر قدرت شوروی، و دیگر اعلام دفاع از مستضعفین جهان با صدور انقلاب به کشورهای دیگر.

(مهندس بازگان، ۱۹ مهرماه ۱۳۵۹ - میزان)

خط امام و خط لیرال ها...
پتیه از صفحه ۷
روحه تهاجمی در آمریکا تقصیر ماست

دکتر بیان فریاد اعتراض به خیلی از ناحقها شد. یعنی اصل مهم و واقعیت انکارناپذیر رشد آن صدای اعتراض بود که میبایست یانکر جدیدی پیدا کند و میبایست انقلاب اسلامی ما بیاکتر آن می گشت و مستضعفین همدما و منجمله آنجا را با خود همراهمند و همسو می کرد. ولی گروگانگیری پیش آمده، نتیجه این روشن بود و مردم روشتم می شود. آن صدای اعتراض در آمریکا که با مخالفت با جنگ ویتنام و ارتکب و غیره بفرز آمده بود، فروکشین گرفت. یا تکیه بر سلطنت گرایی کور و غرور ملی گذاید. صاحبان صنایع نظامی